

DOI: [10.30512/KQ.2022.16609.3077](https://doi.org/10.30512/KQ.2022.16609.3077)

تصاویر شنیداری در سوره واقعه*

مژگان شیریان‌زاد^۱

اعظم پرچم^۲

الهام سیدان^۳

چکیده

تصویر هنری یکی از مباحث حوزه زیبایی‌شناسی است که عناصر تشکیل‌دهنده یک متن ادبی را به منظور کشف زیبایی‌های آن بررسی می‌کند. تصاویر هنری انواعی دارد که از جمله آن، تصاویر محسوسی است که بر پایه حواس پنج‌گانه شکل می‌گیرد. در بین تصاویر هنری سوره واقعه، تصویر شنیداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اهداف این پژوهش تبیین و آشکار کردن انواع تصاویر شنیداری سوره واقعه است که به سه صورت در این سوره نمود پیدا می‌کند: تصاویر شنیداری مبتنی بر آواعمایی، تصاویر تداعی‌کننده اصوات و تصاویر گفت‌وگو با الفاظ دال بر شنیدن. آواعمایی‌ها مستقیماً از صفات حروف در واژگان و موسیقی بهره می‌برد. در تداعی‌کننده‌های اصوات و گفت‌وگوها، تصاویر شنیداری غیرمستقیم است؛ یعنی ابتدا صحنه با تفکر، برای مخاطب مجسم می‌شود و به دنبال آن صدا و تصویر شنیداری آن تداعی می‌گردد؛ این تصاویر، مخاطب را در موضعی قرار می‌دهد که گویا صداهایی را می‌شنود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد تصاویر شنیداری آواعمایی در سوره واقعه به ترسیم حوادث هول‌انگیز قیامت و عذاب‌های جهنم مربوط است. در این تصاویر، حوادث قیامت به گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که گویی مخاطب صدای مهیب آن را می‌شنود. تصاویر شنیداری تداعی‌کننده، به ترسیم بهشت مربوط است. گاهی تصاویر شنیداری در سوره واقعه بر اساس گفت‌وگوی بهشتیان و منکران معاد است که تصویری از حضور آنان در اجتماع ارائه می‌دهد. در این تصاویر از الفاظ دال بر شنیدن مثل «یَقُولُونَ» و «يَسْمَعُونَ» استفاده شده است که این کلمات در کنار کلمات بعد از خود، تصویری شنیداری ارائه می‌دهد. واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره واقعه، تصاویر شنیداری، آواعمایی، تداعی اصوات.

* تاریخ ارسال: ۱۳/۱۲/۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۳۱/۰۲/۱۴۰۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان / shiryan297@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) / a.parcham@ltr.ui.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه اصفهان / e.sayyed@ltr.ui.ac.ir

۱- مقدمه

قرآن کریم، معجزه هدایت‌گر بشر، ارتباط کلامی خدا و بشر است که با توجه به عمق مفاهیم، لایه‌های درونی بسیاری دارد. تعدد سطوح و لایه‌های درونی قرآن کریم تا حدی است که با وجود پژوهش‌های بسیار قرآن‌پژوهان، همچنان راه برای مطالعات قرآنی جدید هموار است. توجه به شیوه‌های بیانی قرآن کریم و تمرکز بر وجوه مختلف زیبایی‌شناسی آن، زمینه فهم بهتر معارف قرآنی را فراهم می‌کند. مطالعه در زمینه جلوه‌های تجسمی و تصویری قرآن کریم نشان می‌دهد که این کتاب الهی چگونه با به‌کارگیری الفاظی ساده، تصاویری زیبا و دلنشین برای مخاطب به نمایش می‌گذارد و به وسیله این تصاویر، معانی متعالی را به مخاطب القا می‌کند و به این ترتیب، هدف خود را که هدایت بشر است به انجام می‌رساند. تصویر هنری در قرآن، تصویری آمیخته با تجسیم، تشخیص، تخیل، موسیقی، رنگ و حرکت است. چه بسیار که وصف، گفت‌وگو، آهنگ کلمات، نغمه عبارات و موسیقی سیاق در تصویرآفرینی آیات قرآن، دست‌به‌دست هم می‌دهد و از رهگذر تصویر، معانی و مفاهیم متعالی را برای بشر قابل فهم و محسوس می‌کند. تصویرگری در قرآن با ظرایف و دقایق بسیاری همراه است و برای تبیین مفاهیم مختلفی به کار می‌رود. به همین دلیل، بررسی انواع تصویر در سوره‌های مختلف قرآن ضمن تبیین ظرایف و دقایق کلام، در شناخت بهتر معارف قرآنی کارگشا خواهد بود. تأمل در وجوه مختلف تصویرآفرینی قرآن می‌تواند دریچه تازه‌ای را در مطالعات زبانی و حتی تفسیری قرآن کریم باز کند.

تصاویر قرآنی در سوره‌های مختلف قرآن کریم با توجه به سیاق متفاوت است. از جمله این تصاویر قرآنی، تصاویری هستند که با تمرکز بر حواس پنج‌گانه شکل می‌گیرد و از آن با عنوان تصاویر حسی یاد می‌شود. این تصاویر نقش مؤثری در محسوس کردن مفاهیم انتزاعی - که فراتر از فهم و ادراک بشر است - دارد و به پنج دسته تقسیم می‌شود که با توجه به گستردگی آن، این پژوهش صرفاً بر تصویر شنیداری تمرکز دارد. نظر به اینکه این تصاویر در سوره واقع نقش مؤثری در انتقال مفاهیم دارد، محدوده پژوهش حاضر سوره واقع است.

سوره واقع پنجاه و ششمین سوره از سوره‌های قرآن است که واقع قیامت، بهشت و جهنم در آن ترسیم می‌شود. ترسیم این مفاهیم با تصویرسازی‌های حسی همراه است و به این ترتیب، واقع عظیم قیامت در حد فهم بشر به صورت ملموس و محسوس به تصویر کشیده می‌شود. استفاده از صور و تصاویر محسوس در ترسیم این واقع امکان وقوع آن را برای مخاطب طبیعی جلوه می‌دهد. این تصاویر در سوره واقع انواع مختلفی دارد که از بین آنها تصاویر شنیداری با درگیرکردن حس شنوایی و ترسیم آواها در القای معانی و محسوس‌سازی وقایع و صحنه‌ها تأثیر بسزایی دارد. تصاویر شنیداری به صورت‌های مختلفی (آوامعنایی، الفاظ تداعی‌کننده اصوات، گفت‌وگوها با الفاظ دال بر شنیدن) در این سوره نمود پیدا می‌کند. برخی از این تصاویر به صورت غیرمستقیم مخاطب را به معنا دلالت می‌کند. بنابراین، استخراج معانی پنهان آنها می‌تواند در فهم بهتر آیات راه‌گشا باشد.

در این پژوهش تصاویر شنیداری در آیات سوره واقع با روش توصیفی - تحلیلی و براساس سیاق آیات برای پاسخ به پرسش‌های ذیل استخراج، بررسی و تحلیل می‌شود:

- کدام آیات در سوره واقع تصویر شنیداری دارد؟

– انواع تصاویر شنیداری سوره واقعه کدام است؟

– تصاویر شنیداری تا چه حد در تبیین مفاهیم دینی و اثرگذاری بر مخاطب نقش دارد؟

از این‌رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی انواع تصویر شنیداری در سوره واقعه و نقش آن در انتقال مفاهیم و تصویرسازی وقایع قیامت است.

در مورد تصاویر شنیداری و همچنین در زمینه نظام و دلالت آوایی و عناصر موسیقایی سوره‌های قرآن و از جمله سوره واقعه پژوهش‌هایی صورت گرفته است. برخی از آنها عبارتند از:

۱. اقبالی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تصویرهای شنیداری در معلقات سبع» تصاویر شنیداری این قصاید را بررسی کرده است و نشان می‌دهد که صاحبان معلقات برای مجسم کردن بهتر محسوسات از تصاویر صداهای طبیعی و غیرطبیعی محسوس استفاده کرده‌اند تا مخاطب، واقعیت‌های ذهن و محسوسات شاعر را بهتر درک کند.

۲. قربانی بن‌توت (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل تصاویر دیداری و شنیداری زندگی پس از مرگ در جزء سی‌ام قرآن» نشان داده است که در سایه تصویرگری، بسیاری از حقایق دینی و معارف توحیدی و بسیاری از پدیده‌های معنوی، روحی و حالات روانی در این بخش از قرآن، به نمایش گذاشته شده است.

۳. قائمی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی پویایی و حیات صور خیال در شعر متنبی (با تکیه بر تصاویر شنیداری)» نشان می‌دهد که متنبی با به‌کارگیری واژگان صدامعنایی که ساختار و آهنگ آن‌ها معنایی خاص می‌آفریند و به تصاویر خود حرکت و پویایی می‌بخشد. او برای انتقال بهتر احساس، به آفرینش تصویرهایی که از صورت‌های شنیدنی برگرفته شده روی آورده تا از این رهگذر تصورات ذهنی خود را به صورت ملموس و محسوس پیش روی خواننده و شنونده قرار دهد.

۴. شرکایی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تصاویر دیداری و شنیداری ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی در قرآن کریم» تصاویر دیداری و شنیداری قرآن را در چهار مدخل واقعیت‌ها، باورها، خصلت‌ها و رفتارها بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تکیه آیات مربوط به ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی، بیشتر بر تصاویر دیداری است و همچنین، بسامد این تصاویر در آیات مکی بیشتر است.

۵. مرتضی قائمی، علی‌باقر طاهری‌نیا، یوسف فضیلت و مجید صمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به «بررسی جایگاه آواها در حرکت‌بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم» پرداخته‌اند.

۶. محمد خاقانی و یوسف فضیلت (۱۳۹۳) به بررسی «دلالت آوایی در آیه‌های وعد و وعید قرآن کریم» پرداخته‌اند.

۷. سیدمهدی نوری کیزقانی (۱۳۹۵) «کارکرد عناصر موسیقایی در سوره واقعه» را بررسی کرده است.

۸. ابراهیم فلاح و سجاد پوردانش (۱۳۹۶) به پژوهشی با عنوان «تناسب آوایی- محتوایی (فونوسمانتیک) در آیات قرآن با بررسی مواردی از سوره واقعه» پرداخته‌اند.

۹. وحید اولیایی، مهران دهانی و خدیجه حسین زهی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای «آواشناسی آیات قیامت مطالعه موردی: سوره‌های واقعه و تکویر» را بررسی کرده‌اند. این پژوهش تنها دلالت‌های آوایی و عناصر موسیقایی این سوره را بررسی می‌کند و مفهوم تصویر شنیداری در پژوهش حاضر عام‌تر از حوزه آواشناسی است. در باب سوره واقعه و ظرافت‌های هنری آن تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است. همانطور که در پیشینه ملاحظه شد، گذشتگان در سه حیثه تحقیقاتی انجام داده‌اند: ۱. عناصر موسیقایی در بعضی از سوره‌های قرآن از جمله سوره واقعه ۲. دلالت آوایی در آیات قرآن از جمله آیات سوره واقعه ۳. تصاویر شنیداری در بعضی از آیات قرآن.

در مورد تصاویر شنیداری فقط دو مقاله و دو پایان‌نامه کار شده است. در مقاله‌ها، تصاویر شنیداری در شعرهای عرب بررسی شده است که در آن‌ها شاعر برای نشان‌دادن بهتر محسوسات، از تصاویر صداها طبیعی یا غیرطبیعی و یا از واژگان آوامعنایی بهره برده است. در دو پایان‌نامه هم تصاویر شنیداری در آیات به صورت پراکنده بررسی شده تا نشان دهد که بسیاری از حقایق و معارف دینی در سایه تصویرگری به نمایش گذاشته شده است. اگرچه در زمینه دلالت‌های آوایی و عناصر موسیقایی در قرآن و نیز سوره واقعه پژوهش‌هایی انجام گرفته است، در زمینه تصاویر شنیداری در قرآن پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است و تاکنون عناصر شنیداری سوره واقعه در هیچ اثری بررسی و تحلیل نشده است.

۲- مفهوم تصویر هنری

وقتی سخن از تصویر شنیداری به میان می‌آید، لازم است ابتدا مفهوم «تصویر» در حوزه زیبایی‌شناسی و در نهایت، جایگاه «تصویر شنیداری» و مفهوم آن در این حوزه تبیین شود. «تصویر» از مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و فلسفه مطرح می‌شود و در هر یک از این حوزه‌ها، تعریف خاص خود را دارد. این مفهوم در حوزه زیبایی‌شناسی اصطلاحی عام و فراگیر است. در ساده‌ترین نگاه، تصویر عبارت است از عکسی که پس از شنیدن یک واژه، در ذهن حاضر می‌شود (بستانی، ۱۹۹۰، ص ۴۲) و در اصطلاح ادبی، تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقانه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید (فتوحی، ۱۳۸۶، ص ۴۱). بنابراین، تصویر در رایج‌ترین کاربرد آن عبارت است از «هرگونه تصرف خیالی در زبان. این تعریف هم در بلاغت سنتی و هم در نقد ادبی جدید پذیرفته شده است» (همان، ص ۴۴). در این تعریف، خیال به معنای مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر با مفهومی اندکی وسیع‌تر، شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص است، اگرچه از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد. مثلاً گاهی آوردن صفت بدون کمک از مجاز و تشبیه، به خودی خود جنبه تخیلی دارد و همین آوردن صفت است که تصویر را به وجود می‌آورد. خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است (همان، صص ۱۶-۱۷). از این رو، وقتی از تصویر و تصویر هنری سخن به میان می‌آید،

با مفهومی عام مواجه هستیم که فقط به تصرفات بیانی و آرایه‌های بلاغی مربوط نیست؛ بلکه با کل زبان تخیلی و هنری ارتباط دارد.

از ویژگی‌های مهم تصویر هنری اثرگذاری بر احساس مخاطب است؛ زیرا تصویر، شیوه‌ای دقیق و لطیف در توصیف حقایق است که کلمات و حروف و حرکات، با مد و شد مخصوص به خود و با نظمی ویژه در کنار هم قرار گرفته است و جمله‌ای را پدید می‌آورد که در احساس و خیال مخاطب، صورتی مجسم و زنده از معنا را القا می‌کند (البوطی، ۲۰۰۳، ص ۱۷۱).

تصویر در حوزه زیبایی‌شناسی از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی و طبقه‌بندی است. توجه به حسی و عقلی بودن تصاویر منجر به شکل‌گیری تقسیم‌بندی‌ای در این زمینه می‌شود. این تقسیم‌بندی در کتاب‌های بلاغت سنتی صرفاً در بحث از تشبیه (تقسیم‌بندی طرفین تشبیه از منظر حسی و عقلی بودن) مطرح شده است (رک: رجایی، ۱۳۵۳، ص ۲۵۰).

تصاویر محسوس با توجه به حواس پنج‌گانه و جایگاه آن در درک و انتقال معنا به پنج دسته قابل تقسیم است: تصویری که بر پایه حس دیداری، شنیداری، بویایی، لامسه و چشایی شکل می‌گیرد.

سیما داد در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی (۱۳۸۳، صص ۱۴۰-۱۴۱) در طبقه‌بندی تصویر از این تصاویر یاد می‌کند. از منظر او، از حیث آنکه تصویر و خیال برگرفته از کدام حوزه محسوسات باشد، تصویر دارای انواعی است: تصویرهای دیداری، تصویرهای شنیداری، تصویرهای چشایی، تصویرهای بویایی، تصویرهای لامسه‌ای. البته، انواع دیگری نیز برای تصویر در نظر می‌گیرد (مانند تصویر حرکتی) که خارج از بحث این پژوهش است. براساس این تقسیم‌بندی، تصویر شنیداری از انواع تصاویر محسوس است که به سه صورت قابل بررسی است:

۱- طبق دیدگاه سیما داد تصویر شنیداری، تصویر حاصل از حوزه اموری است که با حس شنوایی سروکار دارد؛ مانند: «من گدایی دیدم، در به در می‌رفت، آواز چکاوک می‌خواست» (همان، ص ۱۴۰). طبق این دیدگاه تصویر شنیداری محدود به تصاویر هنری است که صوتی را برای مخاطب ترسیم می‌کند و متفاوت از اصطلاح «نام‌آوا» است؛ زیرا نام‌آوا اولاً، مقوله‌ای مربوط به معناشناسی واژگان است؛ ثانیاً، در مفهوم نام‌آوا رابطه طبیعی یا ذاتی میان صورت و معنا مطرح است؛ ولی تصویر شنیداری مربوط به صور خیال است و در مباحث نقد شعر بر مبنای زیباشناسی مطرح می‌شود (وحیدیان، ۱۳۷۵، ص ۱۰). بر خلاف «نام‌آوا»، بین اصوات و معانی صور آن رابطه‌های ذاتی یا طبیعی برقرار نیست؛ بلکه واژگان و ترکیب‌هایش بر معنای وضعی خود دلالت دارد (اقبالی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در تصویر شنیداری، شاعر با اقتباس از معانی محسوس شنیدنی صورت‌پردازی می‌کند. در این تصویرها به کمک الفاظ و تعبیرات و تشبیهاتی که به کار رفته، صورت‌هایی از صدهای طبیعی یا غیرطبیعی که در ذهن شاعر نقش بسته، یعنی صور شنیدنی تصویرها، به راحتی احساس می‌شود (همان، ص ۳۳).

تصویر شنیداری مانند نقاشی نیست که در ترسیم به ابزار مادی نقاشی و در نمایش آن به نور و روشنایی نیاز داشته باشد؛ بلکه انتقال تصویر شنیداری از طریق گفتار و حس شنوایی است؛ حسی که دامنه کاربرد و کارایی آن به مراتب از حس بینایی گسترده‌تر است و برای بهره‌گیری از آن، رویارویی با تصویر ضرورت ندارد و ارتباط از

طریق شنیدن، بیشتر و بیشتر از دیدن است و شاید به همین دلیل، در آیات بسیاری از قرآن که از نظم و ترتیب منطقی برخوردار است، اشاره به حس شنوایی (سمع) قبل از حس بینایی (بصر) است (همان، ص ۳۶). بنابراین، می‌توان گفت که تصاویر شنیداری از جمله عناصری است که با استفاده از واژگانی که تداعی‌کننده اصوات است، مخاطب را در موضعی قرار می‌دهد که گویا صداهایی را می‌شنود. این نوع از تصویر شنیداری به صورت غیر مستقیم و بر اساس تجسیم است؛ یعنی ابتدا با تفکر مخاطب، صحنه مجسم می‌شود و به دنبال آن، صدا و تصویر شنیداری آن تداعی می‌گردد.

۲- تصویر شنیداری می‌تواند ترسیم‌کننده الفاظی باشد که مخاطب را به منبع صوت یا طنینی راهنمایی می‌کند. به این ترتیب، شاعر می‌کوشد از رابطه طبیعی لفظ و معنا بهره‌برد و از راه کاربرد «آوامعنایی» احساس خود را به مخاطب منتقل کند (رک: همان، ص ۲۷). به همین جهت، تصویر شنیداری می‌تواند از راه دلالت‌های آوایی ایجاد شود. هم‌نشینی حروف در کنار یکدیگر و سیاق آوایی، دلالت و معنای ویژه‌ای را القا می‌کند (علی الصغیر، ۲۰۰۰، ص ۱۶۴). دلالت‌های آوایی همان معنا و دلالتی است که آواهای سازنده یک واژه، آن را شکل می‌دهد. از این رو، واژگان مختلف به دلیل دربرداشتن آواهای گوناگون، معانی متعددی را القا می‌کند چنانکه اگر آواهای سازنده یک واژه از حروف جهر و شدت باشد، معنای واژه بر قدرت و شدت دلالت دارد و اگر آواها از حروف رخوت باشد، معنای سستی و ضعف را القا خواهد کرد (مطر، ۱۹۹۸، ص ۴۷). به بیان دیگر، معنای آوایی از روند تلفظ و از طبیعت آواها سرچشمه می‌گیرد (أنیس، ۱۹۶۳، ص ۲۵۹). به علاوه، احساسات و اندیشه‌ها می‌تواند از خلال تکرار آواها به ذهن متبادر شود. بسامد این آواها نقش مؤثری در انتقال معنا دارد. در واقع، هرچند این آواها بالقوه القاگرند، ولی زمانی ارزش‌های القایی آن‌ها بالفعل متجلی می‌گردد که بسامد آن‌ها چشمگیر و مفهوم و مضمون سیاق با این ارزش‌ها در تناسب باشد (قویمی، ۱۳۸۳، ص ۶۶).

۳- تصاویر شنیداری می‌تواند به صورت غیرمستقیم و ناآشکار در دل تصاویر مربوط به گفت‌وگوها باشد. گاهی الفاظی در کلام به کار می‌رود که دال بر شنیدن است و به این ترتیب، به طور مستقیم و صریح با کاربرد الفاظی مانند «گفتن» و «شنیدن» مخاطب را به شنیدن دعوت می‌کند و در ادامه، پس از جلب توجه مخاطب، با کلمات پس از خود یک تصویر شنیداری را ایجاد می‌کند. این نوع از تصویر شنیداری در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین مطرح نشده و از نوآوری‌های این پژوهش است و در اینجا با عنوان «تصاویر شنیداری با الفاظ دال بر شنیدن» از آن یاد می‌شود.

۳- انواع تصاویر شنیداری در سوره واقعه

در این پژوهش تصاویر شنیداری سوره واقعه در سه دسته طبقه‌بندی می‌شود. البته، بعضی از آیات ممکن است چند نوع تصویر شنیداری را به طور همزمان داشته باشد. از این رو، تصاویر آیات براساس نقطه قوت و برجستگی‌شان در دسته‌بندی‌ها قرار گرفت.

۳-۱- تصاویر شنیداری آوامعنائی

تصاویر مربوط به آوامعنائی در سوره واقعه در آیات مربوط به قیامت و عذاب‌های جهنم نمود پیدا می‌کند که در ذیل بررسی و تحلیل می‌شود.

۳-۱-۱- تصاویر شنیداری حوادث هول‌انگیز قیامت

الف) ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ (واقعه: ۱/۵۶): «آن واقعه چون وقوع یابد، در وقوع آن دروغی نیست».

واقعه در لغت به معنای امری عظیم (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۸، ص ۴۰۳) و حادثه‌ای شدید (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۳۵) است. این واژه در این آیه معنایی متناسب با لفظ و آهنگ خود دارد؛ به‌گونه‌ای که هم از منظر هیئت کلمه و هم از حیث طنین، تداعی‌گر معناست و به وضوح از حقیقت آن روز عظیم و دهشتناک پرده برمی‌دارد. همچنین، این واژه دارای تصاویر تداعی‌کننده صوت نیز هست.

آوایی که از تلفظ واژه «الواقعة» به‌دست می‌آید، مانند جسمی است که بالا برده شده است و سپس، سقوط می‌کند و پس از آن انتظار می‌رود که با صدای شدید به زمین بیفتد و منفجر شود (سید قطب، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). کشیدگی طولانی «وا» و به دنبال آن «قاف مکسور» که از حروف شدت است، جهت افتادن به پایین را به تصویر اضافه می‌کند. این ویژگی آوایی در سایر نام‌های قیامت در قرآن مشاهده می‌شود: الصاخة و الطامة و القارعة و الحاقة... (یاسوف، ۱۴۲۷، ص ۳۸۲).

ویژگی حرف «قاف» در تصویر شنیداری در این آیه نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا حرف «قاف» دلالت بر صدای ناگهانی دارد (عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۷). در آیات ۱ و ۲ سوره واقعه، حروف «واو»، «عین» و «قاف» که دارای صفت جهر هستند، تکرار شده‌اند که به صورت آشکار تلفظ می‌شوند و تارهای صوتی را به ارتعاش در می‌آورند و مانند بانگی عظیم، وقوع قیامت را به گوش می‌رسانند. «قاف» و «ت» از جمله حروف انفجاری و دارای شدت در تلفظ هستند. به نظر آواشناسان در هنگام تلفظ حرف «قاف»، هوا از حنجره می‌گذرد؛ اما تارهای صوتی را به ارتعاش در نمی‌آورد. هوا به انتهای حلق نزدیک شده، به دهان می‌رسد و در آنجا حبس می‌شود و ناگهان به بیرون پرتاب می‌شود و صدای انفجاری شدیدی ایجاد می‌کند (ستوده‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲). «قاف» سه بار و «ت» چهار بار در آیات اول و دوم تکرار شده است. آوای حرف «قاف» معنای خشونت، سختی و انفجار را القا می‌کند که با معنای شدید و وقوع انفجاری روز قیامت کاملاً متناسب است و آوایی شبیه قطعه‌قطعه شدن کوه‌ها و زمین را تداعی می‌کند. همچنین، «واقعه» به معنای «صیحه» نیز آمده است و آن نوحه صور است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۷۵).

۱. این آیه از دو جهت می‌تواند تصویر شنیداری داشته باشد: اول از جهت آوامعنائی‌ها و دیگر از جهت الفاظ تداعی‌کننده اصوات؛ البته با توجه به اینکه آوامعنائی در این آیه نمود بیشتری دارد، این آیه ذیل آوامعنائی‌ها طبقه‌بندی شد.

این آیه علاوه بر تصاویر آوامعنایی، دارای تصاویر تداعی صحنه‌های شنیداری نیز هست. اساساً این سوره را با توجه به اینکه در آن حوادثی سخت و شدید به وقوع می‌پیوندد یا بدان دلیل که وقوعش توأم با انواع سختی‌ها و شدائد است، بدین نام خوانده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۶۵). در این آیه، هنگامی که سخن از واقعه به میان می‌آید، حادثه‌ای هول‌انگیز در ذهن تداعی می‌شود که وجوه مختلفی دارد و یکی از آن وجوه، مهمه و سروصدای عظیم حاصل از آن واقعه است. وقتی قرآن سخن از چنین حادثه عظیمی می‌کند، بی‌شک در کنار وقایع و صحنه‌های دیداری هول‌انگیز، اصوات و تصاویر شنیداری نیز برای مخاطب ترسیم می‌شود؛ مثلاً صدای زلزله و لرزش‌های مهیب، صدای انفجار، فریاد انسان‌ها و

ب) ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا * وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا * فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿ (واقعه: ۵۶/۶)

۶-۳): «پست‌کننده [و] بالا برنده است. چون زمین با تکان [سختی] لرزانده شود و کوه‌ها [جمله] ریزه‌ریزه شوند و غباری پراکنده شوند».

خَافِضَةٌ: «خفض» ضد «رفع» است و نیز، به معنای راحتی و سیر آرام است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۹). زیر و رو شدن همه چیز از جمله آسمان و زمین تصویر وحشتناکی به همراه صدایی مهیب بر دل افراد برجای می‌گذارد.

رَجًّا: کلمه «رَجَّ» از ماده «راء، جیم، جیم» به معنای به حرکت درآوردن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۵)، زلزله و حرکت شدیدی که همه چیز را منهدم می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۳۱)، زلزله، حرکت شدید و تند و از جا کنده شدن است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۲۶۲). «رَجًّا» برای تأکید است و دلالت بر کمال شدت لرزه و کوبیده شدن دارد. وقتی زمین با حرکت شدید حرکت داده می‌شود، هرچه بر روی زمین است، منهدم می‌شود و همه آنچه در دل آن است، بیرون می‌ریزد و موجودات زنده‌ای که روی زمین قرار دارند، می‌میرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۳۴).

بَسًّا: ریزه ریزه شدن، چنانچه سویق را ریزه ریزه می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۵۶).

هباء: غباری شبیه به دود که در هوا پراکنده است (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۵، ص ۳۵۰).

انبثاث: به معنای پراکنده شدن اجزای بسیار در جهات مختلف است (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۸۹).

در این آیات تمام تصاویری که از ویژگی و صفات حروف در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، مثل لرزش شدید و کوبیده شدن زمین و زلزله‌ای که کوه را با آن عظمتی که دارد همچون سویق ریزریز و همچون غباری در هوا پراکنده می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۴۶۲)، صداهایی هولناک را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که گویی مخاطب در صحنه حضور دارد و آن صداهای مهیب را می‌شنود.

اگرچه این آیات دارای تصاویر دیداری است، تصاویر شنیداری هولناکی نیز از معانی واژه‌های «خَافِضَةٌ/رَّافِعَةٌ»، «رُجَّتِ/رَجًّا» و «بُسَّتِ/بَسًّا» در ذهن شکل می‌گیرد و شدت لرزش زمین را همراه با صدای آن به تصویر می‌کشد؛ شدت و عظمت چنین فاجعه‌ای که کوه‌ها را متلاشی می‌کند، تداعی‌گر صدای انفجار است تا تصاویر دیداری با صدا ترکیب شود و کیفیت درک معنا را در ذهن مخاطب افزایش دهد. قرآن صحنه‌های قیامت را

به‌گونه‌ای به تصویر می‌کشد که گویا در ذهن مخاطب زنده است و چشم، آن‌ها را می‌بیند و گوش صدای آن را می‌شنود و آخرت را در پیش روی خود حاضر می‌بیند که این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و اثرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفرین است. این تصاویر آن‌چنان ترس را به قلب مخاطب وارد می‌کند که تا عمق جان او فرو می‌رود و سرانجام با ترس، او را بیدار می‌سازد و به این امر واقف می‌سازد که حادثه‌ای بس بزرگ در راه است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، در آیات مربوط به قیامت (واقعه: ۵۶ / ۶۱)، تصاویر شنیداری هولناکی از معانی آیات در ذهن شکل می‌گیرد؛ زیرا حروف شدت، تراکم بیشتری نسبت به حروف رخوت و بینابین دارد. از نظر صفات جهر و همس نیز بیشتر دارای حروف مجهور است. بنابراین، آوایی سخت و تند ایجاد می‌کند و تصاویری که از معنای آیات به ذهن می‌آید، با صدا ترکیب می‌شود و کیفیت درک معنا را در ذهن مخاطب افزایش می‌دهد. برای مثال، در واژه «بُسْت» استفاده از حرف شدت دار «باء» و حرف «سین» که دارای صفت صغیر است، تداعی‌کننده شدت و عظمت فاجعه است. همچنین، حرف «جیم» که از حروف شجری و قوی است و حرف «راء» که از حروف تکرار است و با لرزش ادا می‌شود، هر کدام دو بار در آیه به کار رفته است که شدت لرزش زمین را همراه با صدای آن به تصویر می‌کشد (فراستخواه، ۱۳۷۶، صص ۱۲۸-۱۲۷). حرف «هَاء» در لفظ «هَبَاء» بر رخوت و سستی دلالت دارد (حاجی اسماعیلی، ۱۴۰۸، ص ۹۲) که بیانگر از بین رفتن کوه‌ها و پست شدن همه آن بلندی‌ها است. در کنار این واژه، صفت «مُتَبِّئًا» ذکر شده است که با توجه به ویژگی صوتی حرف «ث» و جریان داشتن صوت و هوا در خلال تلفظ آن (همان)، عمل پخش شدن و پراکندگی را در ذهن تداعی می‌کند. در این آیات خداوند با ترکیب کلمات - که خود نوعی صورتگری است - در پی ارائه تصویری شفاف از صحنه‌های قیامت است تا از راه به‌کارگیری پاره‌ای از واژگان و ترکیب‌های خاص، تابلویی بیافریند و با استخدام حواس بینایی و شنوایی و شیوه حس‌آمیزی، معانی خویش را ادا کند. از سویی، در این تصاویر شنیداری، بی‌قراری و حرکت ترسیم شده است و همین جنب‌وجوش و پویایی است که تصاویر شنیداری را ایجاد کرده است.

۳-۱-۲- تصاویر شنیداری جهنم

﴿فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ * فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ﴾ (واقعه: ۵۶ / ۵۴ - ۵۵): «و روی آن از آب جوش

می‌نوشند؛ [مانند] نوشیدن اشتران تشنه».

هیم: جمع هیم و مؤنث آن «هیماء» است. به شتر تشنه‌ای که بر اثر بیماری استسقاء از آب سیر نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۳۳) و همچنان می‌نوشد تا بمیرد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۱۲۶) راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۴۸) و به ریگزاری که هیچ وقت از آب سیر نمی‌شود، «هیم» گویند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۳۰۹ / زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۶۴).

هنگامی که اهل دوزخ از شدت گرسنگی ناچار به خوردن زقوم می‌شوند، این طعام در شکم آنان به جوش می‌آید و از شدت حرارت و گرمای بسیار تشنه می‌شوند و تشنگی چنان به آن‌ها فشار می‌آورد (طبری، ۱۴۱۲،

ج ۲۷، ص ۱۱۲) که به مالک دوزخ پناه می‌برند. مالک، آن‌ها را برای نوشیدن آب به چشمه آبی جوشان هدایت می‌کند: ﴿تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ﴾ (غاشیه: ۵/۸۸): «از چشمه‌ای داغ نشانیده شوند»، ﴿فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ﴾ (واقعه: ۵۴/۵۶): «و روی آن از آب جوش می‌نوشید»، ﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ﴾ (صافات: ۶۷/۳۷): «سپس ایشان را بر سر آن، آمیغی از آب جوشان است» و آن‌ها مخلوطی از آب داغ و بسیار سوزنده می‌نوشند که روده‌هایشان را قطعه قطعه می‌کند: ﴿فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ (محمد: ۱۵/۴۷): «روده‌هایشان را از هم فروپاشد» (زمخسری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۶۴).

این آیه در درجه اول دارای تصویر دیداری است، ولی در دل این تصویر دیداری، درجه‌ای از تصویر شنیداری نیز وجود دارد. واج «ر»، همخوانی تکریری است و در گروه همخوان‌های روان قرار می‌گیرد و دارای ارزش‌های القایی روان و جاری و سیال و شفاف است. این واج صدای مایعی را تداعی می‌کند که به آرامی می‌ریزد، می‌تراود یا جاری می‌شود (قویمی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)؛ «زیرا همخوان‌های روان همان‌طور که از نامشان پیداست، در حقیقت حالت و کیفیت لیزی، لغزش و سیال‌بودن را تداعی می‌کنند» (همان، ص ۵۳). واج «ش» بیانگر حرکتی سریع است که می‌تواند برای بیان شکوه و شکایت به کار رود (همان، ص ۵۹). واج «ب» به هنگام تلفظ مستلزم افزایش حجم لب‌هاست و به همین سبب، بیانگر تحقیر و تنفر است. از سوی دیگر، این واج در تداعی درد و غم و فغان و ناله و شکایت به کار می‌رود (همان، ص ۶۴).

همان‌طور که ملاحظه گردید، وجود آواهای «ش» و «ر»، در واژه‌های «شَارِبُونَ» و «شُرْبًا» و تکرار آن در این آیات صدای شُرْشُر آب و نیز، صدای نوشیدن آب را به ذهن مخاطب القا می‌کند؛ مخصوصاً وقتی شخص و یا شتر مبتلا به بیماری استسقاء، به شدت تشنه باشد و با حرص و ولع، پی‌درپی آب بنوشد (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۶۸). گویی مخاطب صدای قلوپ قلوپ نوشیدن آب را توسط شخص تشنه‌ای تصور می‌کند و به شدت عذاب پی‌می‌برد که چطور از شدت تشنگی آب جوشان نوشیده شود؛ به طوری که حتی صدای قلوپ قلوپ آن نیز به گوش برسد. گویی با نوشیدن آب جوشان، صدای فریاد و ناله جهنمیان نیز به گوش می‌رسد. در تصاویر قرآنی، علاوه بر اینکه رستاخیز و بهشت توصیف و ترسیم می‌شود، دوزخ نیز با تمام عذاب و دردهایش به تصویر کشیده می‌شود و صحنه زنده و پویا و وحشت‌آفرینی پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد. در این تصاویر، عذاب حسی را به نمایش می‌گذارد تا برای انسان محصور در ماده، قابل درک و فهم باشد و در روح و روان او اثر بسزا و مناسبی بر جای نهد و او را برای پیشرفت و تعالی روح و رهایی از عذاب‌های دردناک اخروی به صراط مستقیم سوق دهد (راغب، ۱۳۸۷، ص ۵۴۸).

۳-۲- تصاویر شنیداری تداعی‌کننده اصوات

در این آیات، خداوند با استفاده از معانی محسوس شنیدنی صورت‌پردازی می‌کند. برخلاف نقش‌های دیداری که در آن‌ها انتقال اصوات میسر نیست، در این تصاویرها به کمک الفاظ و تعبیرات و تشبیهات به‌کار رفته،

صورت‌هایی از صداهای طبیعی یا غیرطبیعی یعنی صور شنیدنی احساس می‌شود (اقبالی، ۱۳۸۸، ص ۳۳). این تصاویر با استفاده از واژگانی که تداعی‌کننده اصوات است، مخاطب را در موضعی قرار می‌دهد که گویا صداهایی را می‌شنود. تصاویر مربوط به تداعی‌کننده اصوات، در سوره واقعه در آیات مربوط بهشت نمود پیدا می‌کند که در ذیل بررسی و تحلیل می‌شود.

۳-۲-۱- تصاویر شنیداری بهشت

﴿وَمَا مَسْكُوبٍ﴾ (واقعه: ۳۱/۵۶): «و آبی ریزان».

مَسْكُوب: به معنای ریخته شده است و اصل آن از ریشه (سَكَبَ) به معنای ریزش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۱۶). آبی است همیشه جاری که هرگز قطع نشود. اصحاب یمین از آب و آبشارهایی برخوردارند که شب و روز در مسیر خود جاری است و بخار و مه از آن برمی‌خیزد و برای استفاده از آن هیچ رنج و تعب را متحمل نمی‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۳۰).

اگرچه این آیه در درجه اول دارای تصویر دیداری است، دارای تصویر شنیداری از نوع تداعی‌کننده اصوات نیز هست. در این آیه مشاهده می‌شود که صفات حروف مثل «م، س، ک، و، ب» در واژه «مَسْكُوب» نقشی در ایجاد تصویر ندارد؛ بلکه تصویر شنیداری با استفاده از تجسیم در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود؛ یعنی با شنیدن لفظ، صدا و تصویر آن تداعی می‌شود. در این آیه، واژه «مَسْكُوب» تداعی‌کننده صدای جریان آب و ریزش آب است. ترنم دلنشین چشمه‌های روان و آبشارهای دل‌انگیز، گوش جان را نوازش می‌دهد و منظره زیبای ریزش آب از بالا به پایین، چشم را فروغ می‌بخشد. با توجه به اینکه اعراب بیابانگرد و صحرانشین آن زمان، از آب جاری بی‌بهره بودند و تنها گاهی در بادیه‌ها، گودال‌های پر شده از باران را می‌دیدند و آب جاری جزء رؤیاهای آنان بوده است، خداوند مکرراً در ضمن وعده‌های بهشتی از آب جاری سخن به میان می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۴۰۵). برای مخاطب هم دیدن نه‌های جاری لذت‌بخش است و هم شنیدن صدای آب. «مَا مَسْكُوبٍ» به معنای آب جاری و ریزان، تداعی‌کننده صدای ریزش آب و هم تداعی‌کننده جریان آب است. از این‌رو، هر دو تصویر شنیداری و دیداری در این جمله جمع شده است. ترسیم این صحنه‌ها، آتش شوق را در دل مخاطب شعله‌ور می‌کند و تمام وجود او را غرق در این احساسات طرب‌انگیز می‌کند تا با آگاهی، راه هدایت و بندگی را انتخاب کند و بدین‌وسیله غرض دینی محقق شود.

۳-۳- تصاویر شنیداری گفت‌وگوها با الفاظ دال بر شنیدن

اینگونه تصاویر، تصویری از اجتماع ارائه می‌دهد. در اجتماع، گفتار و شنیدار امری ضروری است. در این تصاویر، الفاظی مانند «يَقُولُونَ» و «يَسْمَعُونَ» به همراه کلمات بعدی بر شنیداری بودن تصویر دلالت دارد؛ حتی در این تصاویر لحن گفتاری گویندگان نمایش داده شده است و به این شیوه، صحنه‌هایی چند از حوادث گذشته

و یا آینده را پیش روی ما حاضر می‌کند. تصاویر مربوط به الفاظ دال بر شنیدن در سوره واقعه در آیات مربوط به گفت‌وگوی بهشتیان و منکران معاد نمود پیدا می‌کند که در ادامه بررسی و تحلیل می‌شود.

۳-۳-۱- تصاویر شنیداری در بهشت

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيلاً سَلَامًا سَلَامًا﴾ (واقعه: ۲۵-۲۶): «در آنجا نه بیهوده‌ای

می‌شنوند و نه [سخنی] گناه‌آلود. سخنی جز سلام و درود نیست».

لغوا: «لغو» به معنای سقوط است و در سخن و کلام، خبری است که قابل توجه نیست و از روی دقت و تفکر گفته نمی‌شود و در حقیقت مانند «لغا» به معنای صدای گنجشکان یا صدای پرندگان (غیر قابل فهم و درک) است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴۲/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۲۸).

تأیماً: به معنای نسبت‌دادن گناه به دیگری است (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۲).

اثم: هر عملی است که مانع از رسیدن به ثواب و پاداش است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۴/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۳).

سَلام: به معنای مصونیت از بیماری ظاهری و باطنی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۴۷/قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۹۶) و عافیت است (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۲، ص ۲۸۹).

تصویر شنیداری در این آیه از نوع گفت‌وگوی بهشتیان با الفاظ دال بر شنیدن است که در این جا واژه «يَسْمَعُونَ» به کار رفته است. این تصویر بر مبنای مکالمه بهشتیان صورت می‌گیرد. بنابراین، اساس آن یک گفت‌وگو است که می‌تواند زیرساخت یک تصویر شنیداری باشد. همانطور که مشاهده می‌شود، در این دسته از تصاویر شنیداری، ارتباطی بین حروف واژگان و معنای کلمه وجود ندارد؛ بلکه این تصاویر از تجسیم نشأت می‌گیرد و به علت وجود واژه «يَسْمَعُونَ»، مخاطب گفت‌وگوی بهشتیان را در ذهن مجسم می‌کند و گویی صدای گفت‌وگوی آنان را می‌شنود. این نوع از تصویر از نوع غیرمستقیم است و نسبت به آوامعنایی‌ها دارای درجه ضعیف‌تری از تصاویر شنیداری است.

در این آیات، تصویری شنیداری از دو صحنه متقابل به نمایش گذاشته شده است: یکی صحنه‌ای است که در آن سخنان لغو و گناه‌آلود شنیده می‌شود و خداوند این تصویر را برای مقربان نفی می‌کند؛ دیگری صحنه‌ای است که خداوند برای مقربان در بهشت به نمایش گذاشته است. در این تصویر، خداوند با طرح «سَلَاماً سَلَاماً» در درجه اول عافیت و امنیت را در میان بهشتیان به نمایش می‌گذارد، تصویری که در آن جز سخنان سلامت‌بخش و محبت‌آمیز شنیده نمی‌شود و ذره‌ای از سخنان نگران‌کننده در آن وجود ندارد. تنها چیزی که بهشتیان می‌شنوند، سلام است و مایه سلامتی و شادی. سلام، دلالت بر سلامت روح و فکر و زبان و رفتار و کردار بهشتیان دارد. هرچه در آنجا هست، همگی لطف، متانت و ادب است. چه آرام‌بخش است محیطی که از سخنان آلوده پاک باشد! بیشتر ناراحتی میان افراد در زندگی دنیا، از سخنان لغو و بیهوده و گناه‌آلود و زخم‌زبان‌ها ناشی می‌شود.

در این آیات، کلمات «يَسْمَعُونَ» و «قِيَالاً» در کنار کلماتی مثل «لغو» و «تأثیم» و «سلام» قرار گرفته است که مجموع آن‌ها وضعیت کلامی و صوتی در بهشت را تصویرگری می‌کند و صحنه‌ای دلپذیر پیش روی مخاطب به نمایش درمی‌آورد؛ به‌ویژه، برای عرب زمان نزول که همیشه روزگارش به جنگ و دشمنی سپری می‌شده است. گویی مخاطب، سلام و کلمات محبت‌آمیز بهشتیان را می‌شنود. آرامش و لذتی که از این تصویر به مخاطب القا می‌شود، او را تحریک می‌کند تا در این مسیر قدم‌گذار و برای رسیدن به پاداش اخروی تلاش کند. درحقیقت، این تصاویر طریقه صحیح گفت‌وگو و ارتباط با دیگران در اجتماع را به مخاطب آموزش می‌دهد. بدین معنی که اگر می‌خواهید در دنیا آرامش داشته باشید، باید نوع صحبت‌کردنتان بدین‌گونه باشد تا تجسم آن در آخرت نیز به این شکل باشد. پس می‌توان گفت، این آیات فقط دال بر آخرت نیست؛ بلکه یک دستور زندگی برای این دنیا نیز هست.

۳-۳-۲- تصاویر شنیداری استدلال منکران معاد

﴿وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ﴾ (واقعه: ۵۶ / ۴۷-۴۸): «و می‌گفتند: آیا چون مردیم و خاک و استخوان شدیم، واقعاً [باز] زنده می‌شویم؟ یا پدران گذشته ما [نیز]؟» این آیات تابلویی از منکران را به نمایش می‌گذارد که در حال گفت‌وگو با یکدیگرند و موضوع گفت‌وگوی آن‌ها انکار معاد است. گویا در بین آن‌ها حضور داری و صدای آن‌ها را نیز می‌شنوی که با تعجب از یکدیگر می‌پرسند: «آیا چون مردیم و خاک و استخوان شدیم، واقعاً [باز] زنده می‌شویم؟» در این آیات کلمه «يَقُولُونَ» به همراه کلمات بعدش، تصویری از گفت‌وگوی چند نفر را درباره معاد ترسیم می‌کند. قرآن صحنه تکذیب‌کنندگان را در دنیا نمایش می‌دهد که غرق در نعمت‌های دنیا و ارتکاب گناهان بزرگ هستند و با شک و تردید درباره قیامت می‌پرسند. گویی این صحنه از خلال فعل مضارع «يَقُولُونَ» بنا به شیوه قرآن در زنده و حاضر جلوه دادن صحنه‌ها، صحنه‌ای زنده است (راغب، ۱۳۸۷، ص ۴۲۳). این الگوی بشری به قصد اثرگذاری برای مخاطب ترسیم شده است تا به دورشدن از این الگو روی آورد و هر کافری که این اندیشه را در نهان خود دارد، پاسخ خویش را از این گفت‌وگو دریافت کند. علاوه بر آن، تصویر شنیداری این گفت‌وگو، سیمای ایمان را در قلب‌های زنگارگرفته کافران نمودار می‌کند و قلب‌ها به سمت ایمان به خدا متمایل می‌شود. بدین وسیله از خلال جنبه‌های هنری، اهداف دینی به تصویر کشیده شده و غرض دینی محقق شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل تصاویر شنیداری سوره واقعه نشان می‌دهد:

در بحث از تصویر شنیداری تاکنون به دو نوع تصویر اشاره شده است: ۱- آوامعنائی‌ها؛ ۲- تصاویر تداعی‌کننده اصوات. با توجه به شواهد مستخرج از سوره واقعه، نوع سومی نیز در این پژوهش برای تصاویر شنیداری مطرح شد. به این ترتیب که گاهی الفاظی دال بر شنیدن (مانند يَقُولُونَ و يَسْمَعُونَ) در کلام ذکر می‌شود

و پس از جلب توجه مخاطب، در ادامه با کلمات بعد از آن نوعی تصویر شنیداری از یک گفت‌وگو به مخاطب القا می‌شود.

در تصاویر آوامعنایی یک رابطه ذاتی میان صورت و معنا مطرح است و مستقیماً از صفات حروف در واژگان و موسیقی الفاظ بهره می‌برد. تصاویر آوامعنایی در سوره واقعه عبارت است از: تصاویر حوادث هول‌انگیز قیامت و عذاب‌های جهنم. در این تصاویر، حوادث قیامت به گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که انسان با خواندن آن آیات، نه تنها صحنه حوادث را در برابر دیدگانش مجسم می‌کند؛ بلکه صدای مهیب آن را می‌شنود به طوری که گویی صحنه قیامت برپا شده است.

تصاویر شنیداری با الفاظ تداعی‌کننده اصوات بدین‌گونه است که با شنیدن واژه‌ای، ابتدا با تفکر مخاطب، صحنه مجسم می‌شود و به دنبال آن صدا و تصویر شنیداری تداعی می‌شود. الفاظ تداعی‌کننده اصوات در سوره واقعه مربوط به بهشت است و تصویر شنیداری دلپذیری از جریان آب برای مخاطب تداعی می‌کند.

در تصاویر شنیداری سوره واقعه، گاهی از الفاظ دال بر شنیدن مثل «یَقُولُونَ» و «يَسْمَعُونَ» استفاده شده است که این کلمات در کنار کلمات بعد از خود، تصویری شنیداری ارائه می‌دهد. این تصاویر مربوط به بهشتیان و منکران معاد است و تصویری از حضور آنان در اجتماع ارائه می‌دهد؛ چراکه در اجتماع، گفتار و شنیدار امری ضروری است. بنابراین، «قول و سمع» در این تصاویر، مهم است بدین‌گونه که به علت وجود این الفاظ، مخاطب گفت‌وگویی را در ذهن مجسم می‌کند و گویی سخنان افرادی را می‌شنود؛ حتی در این تصاویر، لحن گفتاری گویندگان نمایش داده شده است.

از آنچه بیان شد مشخص می‌شود که ما در قرآن شاهد الفاظ بی‌روح و تعابیر معمولی نیستیم؛ بلکه قرآن با بُعد تصویرپردازی، به معانی و مفاهیم خود، روح و حیات بخشیده است. بهره‌گیری از صور محسوسات در ترسیم حقایق و معارف نقش مؤثری در انتقال معارف دارد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، به کوشش هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ معارف اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
 ۲. ابن عاشور، محمد طاهر؛ *تفسیر التحریر و التنویر*؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
 ۴. ابوحیان، محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط فی تفسیر*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
 ۵. اقبالی، عباس؛ «*تصویرهای شنیداری در معلقات سبع*»؛ مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش، صص ۴۱-۲۵.
 ۶. انیس، ابراهیم؛ *دلالة الألفاظ*؛ مصر: مكتبة الأنجلو المصرية، ۱۹۶۳ م.
 ۷. اولیایی، وحید؛ دهانی، مهران و حسین زهی، خدیجه؛ «*آواشناسی آیات قیامت مطالعه موردی: سوره های واقعه و تکویر*»؛ همایش ملی نقد زبان شناختی ترجمه های معاصر فارسی قرآن کریم، کرج، ۱۳۹۸ ش.
 ۸. بستانی، عبدالله؛ *الوافی: معجم و سبیط للغة العربية*، بیروت: مكتبة لبنان، ۱۹۹۰ م.
 ۹. البوطی، محمد سعید رمضان؛ *من روائع القرآن*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۳ م.
 ۱۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
 ۱۱. حاجی اسماعیلی، محمدرضا؛ *پژوهشی در قرآن و فنون قرائت*؛ اصفهان: صندوق قرض الحسنه ابوتراب، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۲. حمیری، نشوان بن سعید؛ *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*؛ به کوشش مطهر بن علی اریانی؛ یوسف محمد عبدالله؛ حسین عمری، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
 ۱۳. خاقانی، محمد و فضیلت، یوسف؛ «*دلالت های آوایی در آیه های وعد و وعید قرآن کریم*»؛ دوفصلنامه تفسیر پژوهی، شماره ۱، ۱۳۹۳ ش، صص ۹۰-۶۷.
 ۱۴. داد، سیما؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی*؛ تهران: انتشارات مروارید، چ ۲، ۱۳۸۳ ش.
 ۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*؛ دمشق- بیروت: دارالعلم- الدارالشامیة، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۶. راغب، احمد عبدالسلام؛ *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*؛ ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۷. رجایی، محمدخلیل؛ *معالم البلاغة*؛ شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۵۳ ش.
 ۱۸. زمخشری، محمود؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ چ ۳، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۹. ستوده نیا، محمدرضا؛ *بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی*؛ تهران: رایزن، ۱۳۷۸ ش.
 ۲۰. شرکایی، زهرا؛ «*بررسی تصاویر دیداری و شنیداری ارزش ها و ضدا ارزش های اخلاقی در قرآن*»؛ پایان نامه ارشد، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۱ ش.

۲۱. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، به کوشش محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. عبدالله، محمد فرید؛ *الصوت اللغوی و دلالاته فی القرآن الکریم*؛ بیروت: مکتبه الهلال، ۲۰۰۸م.
۲۶. علی الصغیر، محمدحسین؛ *الصوت اللغوی فی القرآن*؛ بیروت: دارالمؤرخ العربی، ۲۰۰۰م.
۲۷. فتوحی رودمعجنی، محمود؛ *بلاغت تصویر*؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶ش.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۲۰ق.
۲۹. فراستخواه، مقصود؛ *زبان قرآن*؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
۳۰. فلاح، ابراهیم و پوردانش، سجاد؛ «تناسب آوایی محتوایی (فنونسمانتیک) در آیات قرآن با بررسی مواردی از سوره واقعه»؛ مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۶ش، صص ۱۵۲-۱۲۹.
۳۱. قاسمی، حمیدمحمد؛ *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*؛ تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
۳۲. قائمی، مرتضی؛ «بررسی پویایی و حیات صور خیال در شعر متنبی (با تکیه بر تصاویر شنیداری)»؛ فصلنامه لسان مبین، شماره ۴، ۱۳۹۰ش، صص ۲۲۸-۲۱۵.
۳۳. _____ و طاهری‌نیا، علی‌باقر؛ فضیلت، یوسف؛ صمدی، مجید؛ «بررسی جایگاه آواها در حرکت بخشی به تصاویر ادبی صحنه‌های قیامت در قرآن کریم»؛ دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱، ۱۳۹۲ش، صص ۳۸-۲۳.
۳۴. قربانی بن توت، بتول؛ *تحلیل تصاویر دیداری و شنیداری زندگی پس از مرگ در جزء سی‌ام قرآن*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۰ش.
۳۵. قرشی، علی‌اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۳۶. قطب، سید؛ *فی ظلال القرآن*؛ ج ۳۵، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
۳۷. _____؛ *مشاهد القیامة فی القرآن*؛ مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۷ش.
۳۸. قویمی، مهوش؛ *آوا و القا*؛ تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۳ش.
۳۹. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن*؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۴۰. مطر، عبدالعزیز؛ *علم اللغة و فقه اللغة*؛ قطر: دار قطر بن الفجاعة، ۱۹۹۸م.
۴۱. نوری کیدقانی، سیدمهدی؛ «کارکرد عناصر موسیقایی در سوره واقعه»؛ همایش ملی اعجاز قرآن کریم، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ش.
۴۲. وحیدیان کامکار، تقی؛ *فرهنگ نام‌آوایی فارسی*؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵ش.
۴۳. یاسوف، احمد؛ *دراسات فنیة فی القرآن الکریم*؛ دمشق: دارالمکتبی، ۱۴۲۷ق.